



فصل سوم

ادبیات غنایی

درس ششم: مهر و وفا

گنج حکمت: حقه راز

درس هفتم: کمال و جمال

شعرخوانی: بوی گل و ریحان‌ها

ادبیات غنایی

غنا در لغت به معنی سرود، نغمه و آواز خوش طرب‌انگیز است و شعر غنایی به شعری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شاعر باشد. ادبیات غنایی گونه‌ای از ادبیات است که با زبانی نرم و لطیف با استفاده از معانی عمیق و باریک به بیان احساسات شخصی انسان می‌پردازد و منظومه‌های غنایی چنان که از اسم آن هویدا است، اشعاری است که برای بیان احساسات انسانی از عشق و دوستی و رنج‌ها و نامرادی‌ها و هرچه روح آدمی را متأثر می‌کند، پرداخته می‌آید. این گونه اشعار در یونان باستان به همراهی سازی به نام «لیر» خوانده می‌شده و از این رو در زبان‌های فرنگی و اشعار غنایی، لیریک Lyric می‌گویند. لیریک را در عصر ما شاید به تبع عرب‌ها که به شعر عاشقانه و عاطفی (الشعر الغنایی) می‌گویند، به غنایی ترجمه کرده‌اند و به معنی اشعار عاشقانه و زمی به کار می‌برند. به هر حال معادل قدیم آن غزل است.

مراد از اشعار لیریک در ادبیات اروپایی شعری است کوتاه و غیر روایی که گوینده در آن فقط احساسات خود را بیان می‌کند و از این رو، مرثیه را هم باید جزء ادب غنایی دانست و اگر شعر، بلند و روایی باشد مثل خسرو و شیرین به آن Dramatic Lyric می‌گویند، یعنی شعر غنایی نمایشی یا داستانی می‌گویند. شعر لیریک ممکن است عاشقانه باشد در این صورت به آن Love Lyric می‌گویند، به معنی شعر عاشقانه یا تغزلی یا غزل. در شعر غنایی گاهی سخنگو خود شاعر است و گاهی کسی دیگر. به هر حال برخلاف آنچه در نظر اول به ذهن متبادر می‌شود، ممکن است شاعر Persona باشد، یعنی نقابی به چهره داشته باشد و خود واقعه را مطرح نسازد، پس شخصیت مطرح در شعر را نباید باشخصیت واقعی شاعر خلط کرد. اصولاً در اکثر نقاط جهان اشعار عاطفی و عاشقانه و سوزناک با موسیقی همراه بوده است. در اروپا «تروبادورها» و در ایران عاشوق‌ها یا عاشیق‌ها و خیناگران، روستاییان و شبانان حافظ این سنت بوده‌اند. در ادبیات فارسی به بخشی از سروده‌های منظوم که بیشتر در قالب‌های مثنوی و غزل آفریده شده‌اند، ادبیات غنایی فارسی گفته می‌شود.

درونمایه ادبیات غنایی فارسی، معمولاً شامل عشق و شور جوانی است. از نمونه‌های موفق ادبیات غنایی ایران می‌توان به خسرو و شیرین و لیلی و مجنون در آثار نظامی گنجوی، ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی، و غزلیات حافظ و سعدی اشاره نمود.

شعر غنایی در دو معنی به کار می‌رود: اشعار احساسی و عاطفی و اشعار عاشقانه. در ادبیات ما بیشتر این معنی دوم معروف است. در ادبیات فارسی، چندین منظومه عالی غنایی داستانی وجود دارد مثل ویس و رامین، لیلی و مجنون و خسرو و شیرین که بلند و روایی هستند و داستانی عاشقانه را روایت می‌کنند. در این داستان‌ها موضوع اصلی، بیان حالات و احساسات مربوط به وصال و فراق است. در ادب غنایی، شاعر امیال و آرزوهای خود را در مواقع مناسب در قصه دخالت می‌دهد.

اشعار عاشقانه در ادبیات ما سه گونه است، یا با معشوقی زمینی مواجهیم یا با غزلیات عاشقانه و لفظی و یا با معشوقی آسمانی.

در ادب غنایی پیشرفته با معشوقی نمادین و خیالی و اساطیری مواجهیم که به هیچ وجه زمینی و دست‌یافتنی نیست، به اصطلاح چهره نیست. شاعر در وصف علو او و آرزوی تقریب به درگاه او سخن می‌گوید. در شعر فارسی ادبیات غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بث الشکوی و گلابه و تغزل در قالب غزل، مثنوی، رباعی و حتی قصیده مطرح می‌شود. اما مهم‌ترین قالب آن غزل است. در غزل قهرمان اصلی معشوق است و قهرمان دیگر که عاشق و خود شاعر باشد، معشوق را بهانه کرده و گلابه‌ها و آرزوها و احساسات خود را مطرح می‌کند. البته ارسطو در تقسیمات خود از ادب، شعر غنایی را مطرح نکرده بود. اما شارحان و دنباله‌روان ارسطو بدان اشاره کرده‌اند.

بخش عمده ادبیات ما را شعر غنایی تشکیل می‌دهد. رباعیات خیام، دوبیتی‌های بابا طاهر، غزلیات مولوی، سعدی، حافظ، صائب و بیدل منظومه‌های یزمی نظامی و بخشی از سروده‌های قصیده‌سرایان مشهور، مانند: فرخی، منوچهری، عنصری، خاقانی و نیز عمده سروده‌های معاصر از نوع ادبیات غنایی است.

شعر غنایی سخن گفتن از احساس شخصی است به شرط اینکه از دو کلمه «احساس» و «شخصی» وسیع‌ترین مفاهیم آنها را در نظر بگیریم، یعنی تمام انواع احساسات از نرم‌ترین تا خشن‌ترین آنها را با همه واقعیاتی که وجود دارد. احساس شخصی بدان معنی که از روح و احساس شاعر مایه گرفته باشد و به اعتبار اینکه شاعر فردی است از اجتماع، لذا روح او نیز در بسیاری از مسائل با تمام جامعه پیوند دارد و زبانش گویای غم‌ها و شادی‌هایی است که میان وی و افراد اجتماعش مشترک است. آزادی و دنیای آرمانی و مطلوب، از جمله موضوعات شعر غنایی است و به تعبیری دیگر می‌توان آنها را به احساسات مربوط به فرد، خانواده، انسانیت، وطن، طبیعت، خدا و دین محدود کرد.

در شعر فارسی وسیع‌ترین افق معنوی و عاطفی، افق شعرهای غنایی است. مطالعه در تطوّر انواع غنایی در ادب فارسی، گسترده‌ترین زمینه بحث است. موضوعاتی که در ادب فارسی حوزه شعر غنایی را تشکیل می‌دهد تقریباً تمام موضوعات رایج است به جز حماسه و شعر تعلیمی و در یک نگاه اجمالی، شعرهای عاشقانه، عرفانی، مذهبی، هجو، مدح، و وصف طبیعت همگی مصادیقی از شعر غنایی به شمار می‌روند. نکته قابل ملاحظه این است که در ادبیات فارسی مفاهیم مزبور اغلب با یکدیگر به هم آمیخته‌اند و در بیشتر قالب‌های شعری مجموعه‌ای از این مفاهیم وجود دارند.

درس ششم مهر و وفا

نمایه درس

محتوا: خواجه حافظ شیرازی، غزل، سؤال و جواب، پیوند و صمیمیت با آفریدگار

قلمرو فکری

درک و دریافت مفاهیم بیت‌ها،
ارتباط‌های مفهومی در سروده‌های
شاعران

قلمرو ادبی

قافیه و ردیف، تخلص، ابهام

قلمرو زبانی

معانی واژگان، جهش ضمیر،
ساخت واژه (ساده، مشتق،
مرگب)

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با حافظ، غزل و شعر غنایی (علم)
- ۲ درک صحیح و خوانش متن درس با لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت محبت و دوستی و علاقه‌مندی عاشقانه نسبت به خداوند (ایمان)
- ۴ تقویت رفتارهای محبت‌آمیز و صمیمی نسبت به پدیده‌های هستی (اخلاق)
- ۵ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۶ توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی درس (تفکر)

روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش کارآیی گروه
- روش پرسش و پاسخ
- روش بارش فکری و ...

رسانه‌های آموزشی : کتاب درسی، نسخه کاملی از دیوان حافظ، عکس، فیلم و اسلایدهای مرتبط با زندگی حافظ، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و

جستاری در متن

غزلیات حافظ یکی از آشناترین سروده‌ها در نزد ایرانیان و فارسی‌زبانان است. این امر به مدد ویژگی‌هایی است که در سخن ایشان تنیده شده است. برخی از این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از : قدرت تصویر، شورآفرینی، استفاده گسترده از مضامین ابتکاری (خواجه مضامین شاعران گذشته را با بهترین بیان و غالباً بهتر از بیان خودشان ادا کرده است. چه مضامین شعرای عرب و چه شعرای فارسی‌زبان پیش از خود مثل سعدی و چه شعرای معاصر خودش مثل خواجه و سلمان ساوجی که مضمونی را از آنها گرفته و زیباتر از بیان آنها، آن را ادا کرده است.)، کم‌گویی و گزیده‌گویی، شیرینی بیان، روانی و صیقل‌زدگی الفاظ، موسیقی گوش‌نواز، رسایی بیان، کاریست کنایه، ایهام... و طننازی، از ویژگی‌های این شاعر گرانمایه است.

عنوانی که برای غزل ۲۳۱ دیوان حافظ بر اساس نسخه دکتر قاسم غنی و محمد قزوینی برگزیده شده، «مهر و وفا» است. وزن غزل «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» همراه با آرایه «سؤال و جواب» و در بحر مضارع مثنی‌اخر ب سروده شده است.

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

۱- خُلْد (بهشت) عشرت (خوش‌گذرانی)، شبرو (راهزن، دزد، آن که در شب رود)

۲- گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید --- او رهبرت آید = رهبر تو

نمونه : عشقت رسد به فریاد ار خود بسان حافظ (عشق به فریادت رسد).

قرآن ز بر بخوانی در چهارده روایت

۳- ساده : غم، رسم، وفا، کار، خیال، راه، نظر، نسیم، نوش، لعل، عزم و

مشتق : بندگی،

مرکب : مهرورزان، خوبرویان، شبرو، گمراه، دلبر.

توجه : الزامی در تکمیل همهٔ ردیف‌های جدول نیست. در ستون «مشتق» فقط یک کلمه مشتق جای

می‌گیرد.

قلمرو ادبی

۱ بیت کلمات قافیه : سر- بر، ردیف : آید

بیت پایانی : کلمه قافیه : سر؛ ردیف : آید

۲ بیت اول : «برآید» به معنای : امکان پذیر باشد، جلوه گر شود، طلوع کند.

بیت چهارم : «بوی» به معنای : رایحه، آرزو.

قلمرو فکری

۱- اطاعت و فرمان پذیری

گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

■ طلب عنایت و بخشش

گفتم دل رحیمت، کی عزم صلح دارد گفتا مگویی با کس تا وقت آن در آید

۲- بیت هشتم : گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد

گفتا خموش حافظ کاین غصه هم سر آید

۳- نفر اول (پرسنده) : عاشق

اظهار نیاز به معشوق، گرفتار غم عشق، طلب بخشش و مهر و وفا از معشوق، عتاب به معشوق و قصد گریز از عشق، بیقرار و مشتاق وصال

نفر دوم (پاسخ دهنده) : معشوق

اظهار ناز، خوبرو و زیبارو، کم مهر، بی توجه به عشق، هدایت گر عاشق، بنده پروری، دعوت عاشق به رازداری و بندگی و طاعت، امید دهنده، دور از دسترس و ...

نفر اول (پرسنده)	نفر دوم (پاسخ دهنده)
اظهار نیاز	اظهار ناز
فرمان پذیری	بنده پروری
بی قراری و ...	بی وفایی و ...

در این نوع شعر (مناظره) معمولاً، در مصرع یا بیت اول، پرسشی به میان می‌آید و در مصرع یا بیت دوم، جواب آن داده می‌شود و شکلی از گفت‌وگو پدیدار می‌شود و مخاطب را در جواب شعری و لذت هنری شعر، سهیم می‌کند.

نمونه‌های این شیوه از روزگار کهن در ادبیات فارسی وجود دارد. مانند: «گفت‌وگوی زاغ سیاه و باز سفید» در دیوان عنصری و سؤال و جواب‌های عاشقان و معشوقان، اشیاء و آدم‌ها.

نمونه‌های موفق سؤال و جواب را در شعر حافظ، مولانا، نظامی گنجوی، پروین اعتصامی و دیگر شاعران و نویسندگان بزرگ می‌توان دید.

در این طرز سخن، کلماتی که بیان‌گر سؤال و جواب هستند، معمولاً به شکل (گفتم، گفتا و...) به کار می‌روند: مانند مناظره خسرو با فرهاد در مثنوی «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی:

نخستین بار گفتش کز کجایی بگفت از دار ملک آشنایی.

کنج حکمت: حقه راز

کتاب «اسرار التوحید» یا اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید ابی الخیر را پس از یک صد و سی سال از مرگ ابوسعید ابی الخیر در خراسان، یکی از نوادگان او به نام «محمد بن منور» نگاشته است. تألیف کتاب پس از حمله غزان به میهنه انجام گرفته است و آن را در حدود سال ۵۷۰ هجری قمری دانسته‌اند.

محمد بن منور کتاب خود را به سه باب تقسیم کرده و باب دوم را به بیان حالات شیخ ابوسعید در سال‌های میانی زندگی او اختصاص داده است، وی بسیاری از گفته‌ها و اشعاری را که در مجالس بر زبان شیخ رفته، گردآوری و به نثر مرسل نگاشته است.

حکایت زیر نیز از همین کتاب آمده است:

خواجه عبدالکریم، خادم خاص شیخ ما، ابوسعید بود، گفت: روزی درویشی مرا بنشانده بود تا از حکایت‌های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتم.

کسی بیامد که «شیخ تو را می‌خواند!»؛ برفتم.

چون پیش شیخ رسیدم، شیخ پرسید که «چه کار می‌کردی؟».

گفتم: «درویشی حکایت چند خواست، از آن شیخ، می‌نوشتم».

شیخ گفت: «یا عبدالکریم! حکایت نویس مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند.».

درس هفتم

جمال و کمال

نمایه درس

محتوا : تفسیر قرآنی سوره حضرت یوسف (ع)، نثر عارفانه، احمدبن محمدبن زید طوسی

قلمرو فکری

درک و استنباط جمله‌ها و عبارتها، ارتباط‌های معنایی بین نوشته‌ها و سروده‌های شاعران و نویسندگان، دریافت مفاهیم نمادین

قلمرو ادبی

روابط معنایی واژگان، تشبیه و ارکان آن، جناس، سجع و نثر مسجع

قلمرو زبانی

املای واژگان، معادل‌های واژگانی، واژگان دو تلفظی

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با تفسیر قرآنی حضرت یوسف و احمدبن محمدبن زید طوسی (علم)
- ۲ درک صحیح و خوانش متن درس با لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت علاقه نسبت به متون تفسیری قرآنی و تفسیر سوره یوسف (ع) (ایمان)
- ۴ تقویت رفتارها و هنجارهای دینی (اخلاق)
- ۵ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۶ توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکر).

روش‌های تدریس پیشنهادی

- روش کارایی گروه
- روش روشن سازی طرز تلقی
- روش بحث گروهی و ...

رسانه‌های آموزشی : کتاب درسی، نسخه‌ای از کتاب تفسیرسوره یوسف (ع)، عکس، فیلم و اسلایدهای مرتبط با سرگذشت حضرت یوسف (ع)، بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

«قِصَةُ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» شرح و تفسیری عارفانه از سوره یوسف، به زبان فارسی، توسط احمد بن محمدبن زید طوسی، از دانشمندان قرن هفتم هجری است. این کتاب در شصت مجلس برای گروهی از متعلمین املا شده و نام اصلی‌اش «السِّتِّينَ الْجَامِعَ لِلطَّائِفِ الْبَسَاتِينِ» است. مطالب کتاب با دیدی عارفانه و با تثری روان و شیوا در شصت فصل تنظیم شده که نام کتاب نیز خود گویای بخش‌های شصت‌گانه آن است. شیوه نگارش کتاب، ساده و روان و شیواست. جمله‌ها کوتاه و رساست. واژه و ترکیب نامستعمل در آن نیست و اگر هست اندک است. بسامد تکرار فعل‌ها را می‌توان مشاهده کرد. نویسنده به آوردن مترادفات، گرایشی چندان ندارد و سجع، موازنه و تقابل را گاهی رعایت می‌کند. برخی از واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌هایی که به توضیح نیاز دارند؛ عبارت‌اند از: یوسف یا یوسیف، یک نام پسرانه عبری است. این نام به صورت ژوزف، جوزف، یوزپ و ... در زبان‌های دیگر وارد شده است. یوسف را به معنی «او می‌افزاید»، ذکر کرده‌اند. / زلیخا: به ضمّ اوّل و فتح لام، اسم تصغیر از زلیخا، صفت مشبهه و مؤنث از لُخ است. یکی از معانی این واژه «جای لغزیدن» است. / یعقوب: تعقیب‌کننده/ درجات: جمع درجه، هر یک از طبقات بهشت که روی به بالا دارد، مقابل درک و درکه. / تا مگر او را هلاک کنند: باشد که او را از بین ببرند. / کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برنیاید: نیرنگ حيله گران نمی‌تواند با اراده خداوند غیب‌دان مقابله کند.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ طهارت، صفت، معاملت، نعمت، قصه، عجب‌ترین، جمع، صبر، عالم، صورت، عنایت، عداوت، غیب‌دان و ...

۲ انهار — مترادف: رودها، جوی‌ها، مفرد: نهر.

اشجار — مترادف: درختان، مفرد: شجر.

۳ دولت: جاه و جلال، نیک بختی، اقبال.

کریمی: جوانمردی، بخشندگی.

لثیمی: فرومایگی، پستی.

۴ فعل «است» محذوف است، با توجه به معنای عبارت (قرینه معنوی) می‌توان به نبود آن پی برد.

۵ آموزگار، روزگار، جاودان. در زبان فارسی برخی از کلمه‌ها به دو صورت خوانده می‌شود. به این گونه واژه‌ها در اصطلاح واژه‌های «دو تلفظی» می‌گویند. به کلمه‌های زیر دقت کنید:

مهز/بان ← مهزبان (mehr_bân / meh_ra_bân) / آس/مان ← آسمان (â_se_mân / âs_mân)

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید در یکی از تلفظ‌ها مصوتی اضافه شده است و با اضافه شدن مصوت به ساختار آوایی واژه یک «هجا» افزوده می‌شود ولی در مفهوم و معنی واژه تأثیری ندارد. از آنجایی که هر دو تلفظ در گفتار متداول است، بنابراین هر دو تلفظ صحیح است.

قلمرو ادبی

- ۱ تضاد.
- ۲ مشبه: قرآن/ مشبه به: بهشت جاودان/ ادات تشبیه: مانند/ وجه شبه: جاودانگی و زیبایی
- ۳ جفا - وفا
- ۴ تن‌ها و دل‌ها - نجاست و زلت.

قلمرو فکری

- ۱ آب، مایه زندگی جسم انسان است و به بُعد جسمانی او حیات می‌بخشد. قرآن، مایه حیات و سبب پاک‌ی روح آدمی است.
- ۲ بند پایانی صفحه ۵۵ (برادران یوسف...).
- ۳ معادل معنایی بیت اول: اگر معامله می‌کنی، با حق کن، که تا خلق سود خود نبیند، با تو معامله نکند! هر کس که روی از معامله با حق بتافت، دنیا و آخرت در راه معامله با حق بیافت.
- معادل معنایی بیت دوم: بند اول در صفحه ۵۵. نیکو خو، بهتر هزار بار از نیکو رو.
- ۴ بر اثر (به دنبال) صبر و بردباری، فتح و پیروزی می‌آید؛ صبر کلید گشایش مشکلات است؛ همچنان که حضرت یعقوب «ع» در فقدان حضرت یوسف «ع»، سال‌ها صبوری پیشه کرد و در نهایت غم هجران او به پایان رسید.

صبر آرد آرزو را، نه شتاب صبر کن، ولله اعلم بالصواب

(مثنوی معنوی، دفتر اول، ب ۱۸۰۴)

شعر خوانی: بوی گل و ریحان‌ها

درک و دریافت

۱ فعالیت دانش‌آموزی

۲ زیرا سرشار از احساسات، عواطف شخصی، حالات عاشقانه و امید و آرزوی وصال است.

توجه

شعر خوانی‌ها فرایندی دو پیکره‌ای دارند :

الف) خوانش : در این مرحله، می‌باید همهٔ پاره مهارت‌های خواننداری در کنش خواندن در نظر گرفته شود.

ب) درک : درک و دریافت هم از طریق توجه و تمرکز، تفکر، استنباط، استدلال و ... حاصل می‌شود.